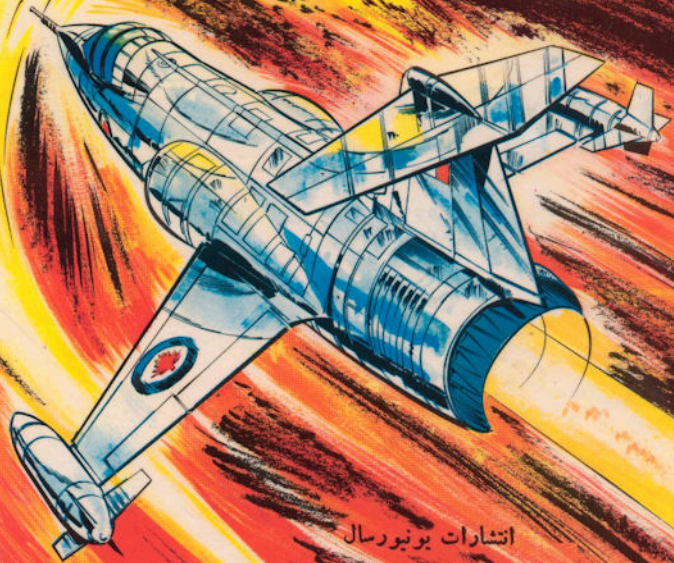


آ. وینرگ

ماجراهای دان کوپر

اسرار شقایبهای پرنده



انتشارات یونیورسال

آونیرک

داستانی از ماجراهای دان کوپر

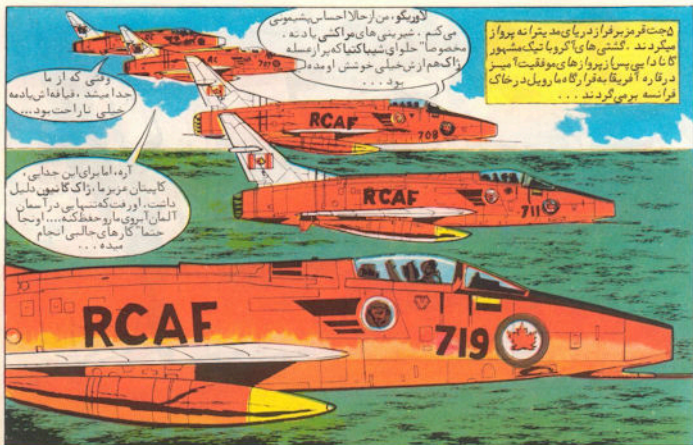
اسرار بشقابهای

پرنده



انتشارات یونیورسال

کتابخانه عمومی



نجات فریزر پرواز دریای مدیترانه پرواز
میکردند. گشتی های آگروپا تیگ مشهور
کانادا بی پس از پروازهای موفقیت آمیز
در قاره آفریقا به فراگاه مارویل در خاک
فرانسه برمی گردند...

لورینگو، من ارحالا احساس بشموس
می کنم. شربتی های هواکشی با دانه
مخصوصا "خلوای شیباکتیا که برار عسله
زاگ هم از ش خیلی خوشش اویده
بود...

وونی که از ما
حدا میشد، قیافه اش یادمه
خیلی ناراحت بود...

آره، اما برای این جناسی
کاپیتان عزیز ما، زاگ تا خون دلایل
داشت. اورفت که تنهایی در آسمان
المان آبروی مارو حفظ کنه... اونجا
حتما کارهای جناسی انجام
میده...



از فریاد به افراد... شکموهای بر حرف دیکه کافیه.
داریم به
سپهتار از سر سفره بلند شن، چون
فرانسه می رسم...



آره، اما تمرین، کرسنگی
مبارزه چون زاگ عاشق تون
شربتی، حتما تا حالا
خیلی جای شده.
برمیگی، تو خودت هم
با اون همه گری که
بیشتر خوشم میاد...
خوردی، خیلی جای
شدی...



واو ما در ارتفاع
بالا تا...
این هم
کانادایی ها.



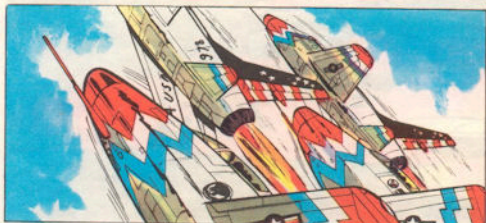
باید قبول کرد که وضع ما کمی بهتر از
"اسکای بلنزر" ها بود... به تیم عالی...
با بچه های مهربون...



فراموش نکنین که شما "گاوهای وحشی
فرمز" هستین... نظم رورعبایت کنین
درست همونطوری که با امریکایی ها
روبروشدین.



موابط بائین
بچه‌ها. دسته ترمز
هوایی به جلو، بعد
سوخت عقب‌رونگین
کشد.



خدا حافظ گاوچرون...
موابط رفقات بائین...
یکی شون زیادی به‌راست
شجرف شده... اون یکی هم عقب
مونده...



از فرمانده اسکای بلیرها
به فرمانده گاوهای وحشی
خدا حافظ دان...
این سلام ما
سود...



"اسکای
بلیرها"...



درست است، فرانسن، زن جوان
شجاع، در این هجران عمومی شرکت
ندارد... او ساکت است و انگار از
دوستان خود جدا است... چرا؟



محب سلام علیکی...
فرانسنن سو چنه؟...
چرا صدات در نیما؟



حیلی بد شد، افتتاح
شد. ما "گاوهای وحشی"
هیج کاری نکردیم...
آهای، سمت چپی! داری
از حالت خارج میشی، به
فرمان کاری نداشته
باش.

لا اقل ما هم
سسه کاری
می‌کردیم





به حرفها مون بگو خلیسی تمرین کنن

سپترهبری پامین

ما میدار، فنج سکتیم چون داین سو رو سینه سینه می کنن



هسووووووووو

صدای تشویق رفقا رو می شنوی؟



سلام فرمانده، مگانسن هار سیدن، پارکنگ هم برای شما آماده شده... بچه های اینجادم بیست مالتی هاکی دارن، میتونم با اینها سابقه بدیم تا بعبین بازی کردن بایه مشت نفرمان چه جور...



بارس سگه، ما حش بزرگ تده...



و پهلوی تنها اگر کن، سگ دان هم منتظرا ست...



ولی قهرمانها قلا "به فکر سابقه نیستند؟ آنها منتظر ورود جت های قرمز هستند"



و در اسان ...

از برج مارویل، فرمانده کاغذهای وحشی باید قابل استفاده ۳... فنار ۲ از ۱ میلی بار باد، اگره، شماره اول برای بستن، بگویم ...

از فرمانده به برج مارویل، شنیدم، باند قابل استفاده ۳...۳



اما ناگهان بارس شاد ما تدبیر شاکه تبدیل میشود...



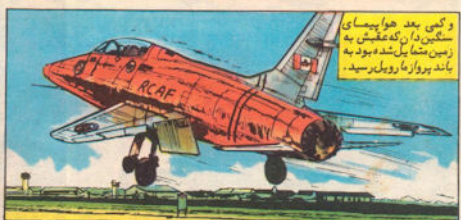
صدای سگو شنیدی؟

داره گره میگه...؟

املاست بد به... اون خطری داره گره میگه... خطری گه متوجه... ما حیشه...



و در این لحظه بود که...



و گهی بعد هوا پیما سی سنگین دارن که غشش به زمین متمایل شده بود به باند پرواز مارویل رسید.



ولی درست در همین لحظه
دان چیت خود را روی ستون
پیست فرود می‌آورد.



دان یک هواپیمای دو موتور را دید که به طرفش می‌آید...

یعنی! درست در همین
ارتفاع پرواز میکنه... الان این
دیوونه منو خورد میکنه...



کلیس فرودگاه را
دیدم! نشون فرستادم
سم با این لامتی های گردن
شکسته کاری دارم... و همین
حالا... خوب شد، اونا
هم نشستن...



از برج... به
فرمانده...
متاسفم سرکار،
اطلاعی از این
پرواز نداریم.



مجبب جونوری!
تمام فواین پرواز
روز رسر پسا
کذاشته.



سیمم... تو خلبانی رو
کجا یاد گرفتی؟!... از ست
چب، حلوی آدم سر سیتی...
از بالای سر آدم رد شتی و
نشون جاره میشستی؟



از ابوطیار نشون پیاده نشدن
دو مسافر به خلیان... حالا حساب
هر سه تا نشونو می رسم...



بچه اما او خیلانی
واضح دیدیم چند
دقیقه از کنار ما رد شد
... سرعش خیلی
خارج العاد بود



اون به... به شتاب پرنده
بود...
چی؟ شوخی
می کنی؟



بها این ما دگی نیست...
بوفعی زاد یوم از کار افتاده که...
به جسم پرنده عجیب از کار
هواپیمای ما رد شد...
نشسته...



اگه اشتباه نکنم، برای استقبال ما اومدن.
 حرکت نکنین... هم اونها رو هم هواپیما رو بگیرین...



خوبه، خوبه، شما خیالاتی ندین... نه، نه ما ورگین... این بطور عمدی پیشاپیش بالا می‌رفت



سلام فرماده.



اونا ما سائیرای هستن که با دین به شتاب برید و وحشت کردن... اینکه دیک بدگون شدن نداره... شتاب؟



آفرین شما خوب میدونین منم هم فرماده، چطوری خودتونو وارد اینها بدون اجازه صحت‌های خصوصی فرود آمدن... من مردم نکنین... به اونها بدگمانه



چیز غیر طبیعی نیست، فرمان... اسلحه‌ای ندانین، اوریق مربوطه پرواز را برداشتم... باشه... اوس... روس...



سلام خرسک قشنگم ما اینکم سلام فرماده، ما رو حساسی ترسوندی.
 خلعان این هواپیما چه مرکزین بود...؟ حتماً سروکارش با پلیسه...



ولی این سه مرد توی هوا چیزی را دیدن... کجنگاوم خلی خلی تخریک شده.



آره "شتاب‌های بریده" منو به هجان ماره تو... شتابی که میگن توی ایرها پرواز میکنه... من که باورم نمیشه.



خلی دلم میخواست دنیا له ماجرا رو بدونم.



اره... منم میخوام بدونم
فرانتین واک کدوشتون به
اون یکی دلداری
سیده...؟؟



سرم بیمارستان... میخوام
بدونم آالوتی از اطاق عمل سیرون
اومده یا نه... آکه نه، پیش واک
میونم.



فرانتین، تودر
باره شفا سهاچی
فکرمیگی.
به بینم...
گناداری میری؟



تنگی بعد... آهای نگاهکن دان و
دوستان...؟؟



ما اونا رو به پارکینگ
می بریم، خاب فرماندهو
زتون خوب مراقبت میکمیم.
واژ "برسده ها"
مواظبت کسم...
پریم دفترچه پرواز رو
امضا کسم و دوستهای
شما ۴۴۱ رو میبینم...



ایتم فرمانده شجاع روهامای
نظرفای... پورتر عزیز...
حالت چطوره...؟؟
سلام دان
مستورم مدتی
پیش سا
سوخی



به، به، روهامها...
به، به، گاههای وحشی.



نوشا بدبخواهی خلیان های
"شقاقت پرندة روهم جزو دسته
خودت بکنی... هیچ سیدوسی که
بکی اونا به ربع پیش پایالی
مارویل
بروز راسکرد؟



بس میل سرکار آینه...
کسی چه میدونه؟...

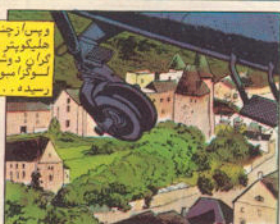


ایمنو همیشه پیش منی کرد
من مثل پرند های هستم که
روی شاخه های... همیشه
منتظر ستور...
امدادارم این دستورات
هرگز صادر نشده... دلم
میخواه همیشه تو رو جزو
دسته خودم ببینم...











... شما هستین فرمان... اما به
 ماد ستور اکید داد ده شده...
 یا این همه
 من ممنوع



سرکار... اینجا
 فرود آمدن ممنوعه .
 سیدوم



سرکار! یعنی این کارها چیسه...؟
 ایست...
 ما رو مجبور
 نکن مایع
 بشتم



بخیر فرمانده... شما نمی تونین...
 ...و حتی گردش
 هم میکن . سیا
 کوکن .



آیا یون، من دان
 کوپرهستم تصمیم
 دارم با وجود همه
 مخالفت های شما
 همینجا بوم
 فهمیدین؟
 گراهام سیدنی...
 بدارین رد بشه



ایست . کارت
 شناسایی .
 اهو... کار خوبی کردم
 که او دم... اینجا را حسابی
 کنترل میکن .



و حالا متاسفم که در
 شرایط ناگواری همدیگر
 را می بینم .
 ...اگه سروس اطلاعات کانادا
 ما مور خصوصی مثل سو رو
 فرستاده . پس این جادنه حتما
 باید خیلی مهم باشه...
 خوب ، زودتر تعریف کن ...



سلام زاک کارتمه...
 عجبم تو اینجا چکار میکنی؟
 ما سالهاست که
 همدیگه رو
 ندیدیم...
 بله ، بعد از ماجرای
 دیوار سکوت " ده
 الی
 میشه .



سخام بهت نشون
دم که با او من اینجا
نقطه رفتن تلف کردی.



ببسا!



چیزی نمکنی، ها...؟ خواهش
میکنم... بگو... سرجت گانون
چی آورده؟



جنگه کن؟ هواپیما
اینجا افتاده...
مجیبه... نه؟
باورم نمیشه... من منظره رو از بالا دیدم...
نقطه های هواپیما در شعاع چند کیلومتر پخش
شدن... آدم خیال میکنه هواپیما در مسوق
پروراز سفجر شده.



در این حادثه بیک راز
مخوفی وجود داره...
...



لایند اوهم مثل
هواپیماش
تکه تکه
شده...
تو مطمئنی؟ آیا دلایلی
هم داری...؟



کالا... همین طور هم
شد...
چی...؟ پس
خلیانتش چطور شده؟



گوش کن دان... تو اینجا نمی تونی چیزی پیدا کنی
که موضوع را برات روشن کنه... امشب ساعت ۹ جلوی
شهرداری اشتر ناه می بیعت... باهه؟
بعد حقیقت رو می فهمی...
باهه... واقعا منو کجکساو
کردی... خدا حافظ... با
اعتب...